

بازتاب توسعه اجتماعی در قوانین برنامه‌های پنجگانه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۸-۱۳۹۴

علی قوتی سفیدسنگی^۱، حسین فراشپانی^۲ و حسین حسن‌زاده چوکانلو^۳

تاریخ وصول: ۹۵/۹/۴

تاریخ پذیرش: ۹۶/۴/۱۸

چکیده:

توسعه اجتماعی بدون شک فرایندی چند بعدی است و در برگیرنده‌ی زنجیره‌ای از عوامل، شامل جنبه‌های سیاسی، اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی و حقوقی است و نیز مجموعه‌ای از فعالیت‌های چند سطحی است که دولت و نهادها، جامعه‌ی مدنی و حتی اجتماع جهانی در آن نقش دارند. در این تحقیق به بررسی توسعه‌ی اجتماعی با تأکید بر دو بعد رفاهی و انسان‌گرایانه توسعه، در قوانین برنامه‌ی توسعه‌ی اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۹۴ پرداخته‌ایم، تا مشخص شود که برنامه‌های توسعه چه رویکردی به توسعه‌ی اجتماعی دارند و چه نقاط قوت و ضعفی وجود دارد؟ در همین راستا از دو شاخص: رفاهی و انسان‌گرایانه برای ارزیابی توسعه‌ی اجتماعی استفاده کردیم. روش تحقیق در این پژوهش تحلیل محتوای کمی می‌باشد. جامعه‌ی آماری این پژوهش کلیه‌ی قوانین برنامه‌ی اول توسعه تا پنجم می‌باشد و به دلیل اینکه تمامی برنامه‌های توسعه بررسی شده است هیچ نمونه‌گیری‌ای وجود ندارد؛ نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که در بیشتر برنامه‌ها تأکید بر شاخص‌های رفاهی توسعه بوده است و شاخص‌های انسان‌گرایانه به صورت قابل توجهی، مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. ضعیف‌ترین برنامه‌ی ارزیابی شده، برنامه‌ی اول توسعه می‌باشد.

مفاهیم کلیدی: توسعه اجتماعی، شاخص‌های رفاهی، شاخص‌های انسان‌گرایانه، برنامه‌های توسعه

^۱ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده‌ی مسئول)

ghovatisefidsangi@gmail.com

^۲ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان ho.farashyani@gmail.com

^۳ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد تهران h.hasanzadehch@yahoo.com

مقدمه و بیان مسأله

در طول چند دهه‌ی اخیر علیرغم آنکه توسعه همواره موضوع روز و مورد بحث محافل اقتصادی داخلی و بین‌المللی بوده است و علیرغم آنکه نهادهای زیادی در سطح جهانی برای کمک به توسعه‌ی کشورهای در حال رشد مجهز شده و تلاش قابل ملاحظه‌ای از سوی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران داخلی برای خروج از عقب‌ماندگی و رسیدن به رشد مطلوب به عمل آمده است به هر حال وضعیت این کشورها نسبت به چند دهه‌ی قبل نه فقط به لحاظ کمی چندان عوض نشده حتی در بسیاری از موارد کیفیت زندگی صورت نامطلوب‌تری پیدا کرده یا حداکثر می‌توانیم بگوییم کم و بیش ثابت مانده است و در نتیجه جوامع عقب‌مانده هنوز نتوانسته‌اند از مدار عقب‌افتادگی خارج شوند! در همان حال برنامه‌ریزی‌هایی که تاکنون به نام توسعه توسط کارشناسان خارجی یا داخلی یا با مشارکت دو طرف در طی دهه‌های اخیر طراحی و در کشورهای «توسعه‌نیافته» پیاده شده‌اند، عمدتاً کانون توجه خود را رشد اقتصادی و توسعه‌ی صنعتی قرار داده و عوامل اجتماعی و فرهنگی رشد را تا حد زیادی مورد بی‌توجهی و غفلت قرار داده‌اند. عواملی که خود می‌تواند بنیان یک توسعه‌ی درون‌زا و مولد را موجب شود و در صورت بی‌توجهی، خود جزء عوامل بازدارنده و مانع توسعه‌ی مستمر و پویا باشد و جلوی هر گونه توسعه‌ی مطلوب را سد کند. تئوری‌پردازان مبحث توسعه، در نگرش‌های متأخرتر خود به نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی که بیش از این مورد غفلت واقع می‌شدند تأکید ورزیده و مسأله را از قلمروی مسائل اقتصادی محض فراتر برده‌اند. در عین حال اصطلاح توسعه، جدا از ابهام‌هایی که در تعریف آن وجود دارد در حله‌ی نخست اصطلاحی با دلالت‌های بیشتر اقتصادی بوده است. الگوی سنتی چنین جستاری مطالعه‌ی کشورهای در حال توسعه در برابر کشورهای توسعه‌یافته و کنکاش و جستجو از عواملی است که در هر یک از این دو گروه وجود دارد و در دیگری وجود ندارد. مهم‌ترین پارامترهایی که در بدو امر در این مقایسه کشورها را جلب نظر کرده و می‌کند، مطالعه‌ی شاخص‌های اقتصادی مثل تولید ناخالص ملی، درآمد ملی، تولید سرانه و غیره است. هر چند که امروزه به توسعه به‌عنوان جریانی چند بعدی که مستلزم تجدید سازمان و تجدید جهت‌گیری مجموعه نظام اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، نگریده می‌شود. این جریان علاوه بر بهبود اوضاع در قلمروی اقتصاد در عین حال متضمن تغییراتی بنیادی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی و اداری و نیز طرز تلقی عامه و حتی آداب و رسوم و اعتقادات است.

دادلی سیرز^۱ رئیس مؤسسه‌ی اطلاعات توسعه‌ای دانشگاه ساکس توسعه را جریانی چند بعدی می‌داند که تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به همراه دارد. به عقیده‌ی وی توسعه علاوه بر بهبود میزان تولید و درآمد، شامل درگرگونی اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین ایستارها و وجه نظرهای مردم است. توسعه در بسیاری از موارد حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز در بر می‌گیرد (ازکیا، ۱۳۸۸: ۲۵)

مایکل تودارو^۲ که یکی از صاحب‌نظران در این زمینه است معتقد است: توسعه در همه‌ی جوامع باید هدف‌های اساسی را پیگیری کند:

- ۱- دسترسی بیشتر به امکانات تداوم‌بخش زندگی چون خوراک، مسکن و بهداشت.
- ۲- بالا رفتن سطح زندگی با افزایش درآمد، ایجاد زمینه‌ی اشتغال و آموزش بهتر.
- ۳- گسترش دامنه‌ی انتخاب‌های اقتصادی و اجتماعی افراد و ملت‌ها، با رهانیدن آن‌ها از قید بردگی و وابستگی (تودارو، ۱۳۷۸: ۲۶). مرکز توسعه‌ای منطقه‌ای سازمان ملل متحد^۳، توسعه‌ی اجتماعی را تدارک خدمات اجتماعی مورد نیاز شهروندان می‌داند و بر بهبود کیفیت زندگی مردمان از راه تأمین آموزش، کار، بهداشت، مسکن، رفاه اجتماعی، اصطلاحات ارضی، توسعه‌ی محلی، ایمنی در برابر آسیب‌های طبیعی، توجه به بخش‌های گوناگون جامعه از جمله زنان و کودکان و ... تأکید می‌کند (مرکز توسعه‌ی منطقه‌ای سازمان ملل متحد، ۱۹۸۸: ۳۶-۳۲).

آنچه که در این مقاله به دنبال آن هستیم بررسی یکی از ابعاد چندگانه‌ی توسعه به نام توسعه‌ی اجتماعی در قوانین برنامه‌های پنج‌ساله‌ی کشور از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۴ یعنی مجموع پنج برنامه‌ی توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی است. توسعه‌ی اجتماعی به این آرمان پایبند است که هر فرد فی‌نفسه ارزشمند است و فرد دغدغه‌ی اصلی جامعه است. احترام به شخص و انسانیت عام در قلب فلسفه توسعه‌ی اجتماعی قرار دارند.

بیش از یک قرن است که اندیشمندان و سیاست‌مداران در ایران با نام‌های اصلاحات، نوسازی، رشد، پیشرفت و آموزش، خواهان تحول وضع اجتماعی و اقتصادی کشور به شیوه‌ای که در کشورهای توسعه‌یافته انجام شده است، هستند. این خواسته به‌طور نظری

^۱ Dudley sears

^۲ Michael Todaro

^۳ UNCRD

در انقلاب مشروطه مطرح شد و به‌طور عینی و گسترده در عصر پهلوی دنبال شد. انقلاب اسلامی اگر چه با شعارهای دیگر، اما خود را وفادار به اهداف توسعه و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی دانسته است. تجربه سه دهه برنامه‌ریزی در کشور و نتایج نه چندان چشمگیر در حوزه‌ی توسعه‌ی اجتماعی، ضرورت تجدید نظر در راهبردها، اهداف، برنامه‌ها و روش‌های دستیابی به آن را دوچندان کرده است. در همین راستا در بدو انقلاب اسلامی، دولتمران برای رشد و ترقی همه‌جانبه‌ی کشور، برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تدوین و هر کدام را تا به الان پشت سر گذرانده‌اند. حدود نیم قرن یا بیشتر، تجربه‌ی برنامه‌ریزی در حقیقت ضروری می‌نماید که آیا برنامه‌های انجام شده و قوانینی که در طول سه دهه بعد از انقلاب اسلامی در کشور اجراء شده است، آیا در پرداختن به امر توسعه، به‌خصوص توسعه‌ی اجتماعی که در این پژوهش به دنبال بررسی آن در قوانین برنامه‌ی توسعه می‌باشیم، رعایت تمامی جوانب را کرده‌اند یا در هر برنامه بدون توجه به برنامه‌های قبل یک رویکرد خاص پیگیری شده است؟ توسعه یک جریان چند بعدی می‌باشد ولی آنچه تا به حال به‌عنوان توسعه در نظر گرفته شده است، بعد اقتصادی توسعه می‌باشد. حال آنکه توسعه، ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی دارد. این پژوهش با بررسی برنامه‌های اول، دوم سوم، چهارم و پنجم توسعه به دنبال مشخص کردن میزان بازنمایی توسعه‌ی اجتماعی در هر یک از برنامه‌ها می‌باشد و می‌خواهیم مشخص کنیم که آیا در برنامه‌های پنجگانه به توسعه‌ی اجتماعی پرداخته شده است؟ اگر پرداخته شده است، به کدام بعد توسعه‌ی اجتماعی (بعد رفاهی یا بعد انسان‌گرایانه) اهمیت بیشتری داده شده است؟ کدامیک از برنامه‌ها قوی‌تر و کدامیک ضعیف‌تر عمل کرده‌اند؟ و اینکه آیا توسعه‌ی اجتماعی فقط یک بعد دارد؟ در این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سؤالات هستیم.

تاریخچه مطرح شدن نظریات توسعه (توسعه اجتماعی)

از آنجایی که توسعه در مطالعات اخیر جامعه‌شناسان و برنامه‌ریزان فرایندی چند بعدی محسوب می‌شود، در این پژوهش به بعد "توسعه‌ی اجتماعی" در برنامه‌های پنجگانه‌ی توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به صورت جداگانه پرداخته شده است. تا قبل از انقلاب صنعتی در اروپا، از مفهوم توسعه، درک تخصصی وجود نداشت بلکه فهمی لغوی و عام از این مفهوم رایج بود که معادل صراحت بخشیدن به یک واقعیت و آشکار شدن یک موضوع به کار برده می‌شود. کلمه‌ی توسعه

دادن در ابتدا در مقابل کلمه‌ی فرو بستن یا پنهان کردن مطرح شد. بنابراین توسعه به معنای آشکار کردن و برملا کردن چیزی است که در ذات یک واقعیت وجود دارد (جاکوب^۱، ۱۹۹۲: ۲۲).

با انقلاب صنعتی معنای توسعه تغییر پیدا کرد. صنعتی‌شدن معنای جدید به واژه‌ی توسعه داد. در این هنگام مفهوم توسعه بر "دگرگونی به سوی حالتی کامل‌تر و بسط‌یافته‌تر" اطلاق می‌شد (اسکوبار، ۱۳۷۷).

مک فارلند می‌گوید: توسعه‌ی اجتماعی عبارتست از: پیچیدگی فزاینده‌ی سازمان اجتماعی به گونه‌ای که این سازمان قادر می‌شود انرژی‌ها و خلاقیت انسانی را برای تحقق اهداف و خواسته‌های جامعه ایجاد، سازمان‌دهی و متجلی کند؛ صرف‌نظر از اینکه آن اهداف فیزیکی، بهداشتی، اقتصادی، رفاهی باشند یا شناخت فهم ذهنی یا آگاهی معنوی (مکفارلند و دیگران^۲، ۱۹۹۹).

همچنین سازمان ملل متحد، توسعه‌ی اجتماعی را افزایش ظرفیت نظام اجتماعی، ساختار اجتماعی، نهادها، خدمات و سیاست بهره‌گیری از منابع برای سطوح زندگی مطلوب‌تر، که در معنای وسیع‌تر در بر دارنده‌ی ارزش‌هایی است که معطوف به توزیع معتبر درآمد و فرصت‌هاست تعریف نموده است (گریفن و مک‌کنلی، ۱۳۷۷: ۳۷۹).

اولین گزارش وضعیت اجتماعی جهان در سال ۱۹۵۲ منتشر شد که تأثیر زیادی بر توجه‌ی اندیشمندان و متخصصان توسعه به‌ویژه در آژانس‌های بین‌المللی داشت. این گزارش تنها به توصیف شرایط اجتماعی موجود پرداخته بود، اما برنامه‌ریزان توسعه را بر آن داشت با اقداماتی فوری به تعدیل فقر بپردازند. این موضوع باعث شد کسانی که به ارتقای کمی توسعه می‌اندیشیدند در مقابل کسانی قرار بگیرند که به خدمات اجتماعی و افزایش رشد تولید ناخالص ملی که به همراه خود رفاه اجتماعی را افزایش می‌داد، توجه داشتند (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۳: ۳).

درباره‌ی بعد فرهنگی توسعه می‌توان گفت که دهه‌ی جهانی توسعه‌ی فرهنگی (۱۹۸۸-۱۹۹۷)، ملموس‌ترین نتیجه‌ی همایش جهانی به مناسبت سیاست‌های فرهنگی است که در سال ۱۹۸۲ در مکزیک با هدف عمده‌ی اعتلای توجه به ابعاد فرهنگی توسعه تشکیل شد (محلای، ۱۳۷۸: ۱۴).

^۱ jakob

^۲ macfarland and others

به‌طور مشخص در کشور ما اولین برنامه برای توسعه، آغاز به تدوین برنامه در سال ۱۳۲۴ بود که در قالب برنامه‌های عمرانی از سال ۱۳۲۷ آغاز گردید و طی دو برنامه‌ی هفت ساله و سه برنامه‌ی پنج ساله تا سال ۱۳۵۶ ادامه یافت. محور توسعه در دو برنامه‌ی اول کشاورزی و در سه برنامه‌ی بعدی بخش صنعت قرار داشت. سهم امور اجتماعی و مواردی مانند: بهداشت عمومی، تأمین آب و برق و اسکان عشایر به علت تغییرات در منابع مالی حاصل از درآمدهای نفتی در حد نازلی قرار داشت (مؤمنی و میلانی، ۱۳۹۰: ۵۱).

در سه برنامه‌ی چهارم، پنجم و ششم با تشکیل سپاه دانش و بهداشت ادامه‌ی خدمات اجتماعی بیشتر در مناطق محروم در نظر گرفته شد و عادلانه‌تر شدن توزیع درآمد منوط به افزایش رشد اقتصادی گردید و فصلی مجزا برای رفاه اجتماعی در برنامه‌ی چهارم اختصاص یافت. در برنامه‌ی پنجم اهداف اجتماعی نظیر ارتقاء سطح بهداشت و آموزش توزیع عادلانه‌تر درآمد، توجه به افزایش سطح زندگی گروه‌های کم درآمد و حفظ محیط زیست در اولویت قرار گرفت. (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۳: ۴).

بعد از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، اولین برنامه‌ی توسعه در قالب برنامه‌ی پنج ساله بعد از پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۳ تدوین گردید. از این دوران (بعد از جنگ عراق علیه ایران) تاکنون پنج برنامه‌ی توسعه در قالب برنامه‌های پنج ساله، تصویب و اجرا شده است.

پیشینه تجربی پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

در زمینه‌ی بررسی توسعه‌ی اجتماعی در قوانین پنج‌گانه توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران کارهای مختصری صورت گرفته است که هر کدام از این پژوهش‌ها به صورت خاص و جداگانه یکی از جنبه‌های توسعه را بررسی کرده‌اند. بعضی از این پژوهش‌ها به ارزیابی توسعه‌ی اجتماعی پرداخته است. برخی دیگر به شناسایی شاخص‌های فرهنگی پرداخته است که در این مقاله به آن‌هایی که به پژوهش ما نزدیک‌تر بوده اند اشاراتی می‌کنیم.

بابایی‌فرد (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای تحت عنوان: توسعه‌ی فرهنگی و توسعه‌ی اجتماعی در ایران به رابطه‌ی بین توسعه‌ی فرهنگی و توسعه‌ی اجتماعی با استفاده از روش تحلیل ثانویه‌ی داده‌ها می‌پردازد. برای سنجش توسعه‌ی فرهنگی عناصری همچون دانش، آگاهی و اطلاعات گوناگون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که به واسطه‌ی مطالعه یا استفاده از

رسانه‌های ارتباطی گوناگون به دست می‌آیند، مورد بررسی قرار گرفته‌اند و برای سنجش توسعه‌ی اجتماعی نیز عناصری همچون میزان روحیه‌ی مشارکت‌جویی در گروه‌ها و تشکل‌های اجتماعی، تحقق عدالت، آزادی، امنیت، آسایش و رفاه در جامعه و احساس تحقق چنین عناصری در جامعه از سوی افراد جامعه، وفاداری افراد به جامعه و تلاش برای آبادانی آن مورد نظر بوده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که توسعه‌ی فرهنگی در ایران با موانع متعددی همچون آسیب‌های هویتی و فرهنگی، فقدان روحیه‌ی فردگرایی، در معنای اصالت فردیت و ... مواجه است (بابایی‌فرد، ۱۳۸۹: ۷).

مؤمنی و میلانی (۱۳۹۰)، در پژوهشی تحت عنوان: توانمندی و توسعه‌ی پایدار در برنامه‌ی سوم و چهارم توسعه‌ی ایران با رویکرد آمارتیا سن، در پی بررسی وضعیت توسعه‌ی پایدار در برنامه‌های توسعه‌ی ایران با تأکید بر مفهوم توانمندی و کیفیت زندگی «سن» می‌باشند و همچنین برای دو برنامه‌ی سوم و چهارم توسعه مقدار آن محاسبه شده و اختلاف آن تا سطح مطلوب تعیین می‌گردد و سپس به شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه‌ی پایدار در شرایط فعلی کشور پرداخته می‌شود. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که توسعه‌ی پایدار با تأکید بر حفظ منافع همه‌ی نسل‌ها، سه محور اساسی توسعه‌ی انسانی، مادی، و طبیعی در دیدگاه سن با تأکید بر مفهوم توانمندی و آزادی‌های اساسی تبیین می‌شود (مؤمنی و میلانی، ۱۳۹۰: ۳۷).

صباغ‌پور (۱۳۸۵)، در مقاله‌ای با موضوع توسعه‌ی فرهنگی و ساختار فرهنگ ایران، به بررسی توسعه‌ی فرهنگی و جایگاه فرهنگ در رویکردهای سه‌گانه‌ی فرهنگ‌پذیری، توسعه‌ی خود محور و توسعه‌ی درون‌زا می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که باورها و نگرش‌های فرهنگی خاص، لازمه‌ی توسعه به شمار می‌روند و در این مقاله ده باور مورد بررسی قرار می‌گیرد (صباغ‌پور، ۱۳۸۵: ۴۱).

همچنین شاه‌طهماسب و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان: ارزیابی کارایی نسبی استان‌های کشور در شاخص‌های اقتصادی فرهنگ طی برنامه‌ی سوم و چهارم توسعه به بررسی، تعیین و تحلیل ارقام کارایی نسبی استان‌ها در شاخص‌های اقتصادی فرهنگ می‌پردازد. این مقاله به کمک تحلیل پوششی داده‌ها و با استفاده از داده‌های مربوط به سال‌های ۱۳۷۹-۸۶ و نیز استفاده از منابع رسمی آمارهای فرهنگی، قابلیت هر یک از استان‌ها در بخش فرهنگ را می‌سنجد. نتایج نشان می‌دهد که سه استان تهران، قم و کرمان در صدر کارایی قرار دارد (شاه‌طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶۳).

ب) تحقیقات خارجی

دفتر امور اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد در گزارشی با عنوان «تأمین مالی توسعه اجتماعی جهان» توسعه اجتماعی را این چنین معرفی می‌کند: «توسعه اجتماعی یا پیشرفت اجتماعی به رفاه افراد و کارکرد سازگار جوامع اشاره دارد. توسعه اجتماعی در برگرفته‌ی تلاش‌ها، مسائل، علایق و بخش‌های توسعه و همچنین چشم‌انداز اجتماعی برای ملاحظه‌ی حوزه‌های فعالیت انسانی است. چشم‌انداز اجتماعی فرد را در ارتباط با جامعه می‌بیند و ابعاد متنوع نیازهای انسان را در نظر می‌گیرد» (سازمان ملل متحد^۱، ۲۰۰۲: ۳).

در گزارش بانک توسعه آمریکا آمده است که: «تجربه‌ی برخی کشورهای آسیایی و آمریکای لاتین نشان می‌دهد در صورتی که رشد و توسعه اقتصادی با غفلت از توسعه اجتماعی (گسترش فرصت‌های اجتماعی مورد نظر آمار نیاسن و بهبود استانداردهای زندگی ...) صورت گیرد یا با سیاست مناسبی برای توسعه اجتماعی همراه نباشد، به گسترش فقر و نابرابری کمک خواهد کرد و بر محرومیت اجتماعی و بیماری‌ها و آسیب‌های اجتماعی خواهد افزود؛ و در مجموع روند توسعه اجتماعی را کند و آن را با مشکلات جدی مواجه خواهد کرد. چنان که تأکید دارد، موانع پیش برد توسعه اجتماعی در منطقه عمیقاً در مسائل به هم پیوسته نابرابری و فقر ساختاری ریشه دارند (بانک توسعه آمریکا^۲، ۲۰۰۳).

مؤلفه‌ها و تعریف مفهومی توسعه اجتماعی

هدف نظریه‌ی توسعه به وجود آوردن دانشی است که به جامعه این امکان را می‌دهد تا از توانمندی‌های خود برای توسعه بهره جوید.

در قسمت ذیل ابعاد اجتماعی توسعه از نظر مؤلفه‌ها و مبانی نظری به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد و در آخر رویکرد پژوهش در این مقاله معرفی و بررسی می‌شود. درباره‌ی توسعه اجتماعی تعاریف مختلف ارائه شده است:

سازمان ملل، توسعه اجتماعی را افزایش ظرفیت نظام اجتماعی، ساختار اجتماعی، نهادها، خدمات و سیاست بهره‌گیری از منابع برای سطوح زندگی مطلوب‌تر که در معنای

¹ United Nation

² Inter-American Development

وسیع‌تر در بردارنده‌ی ارزش‌هایی است که معطوف به توزیع معتبر درآمد و فرصت‌هاست تعریف نموده است (کریفن و مک‌کنلی، ۱۳۷۷: ۳۷۹).

در باب مؤلفه‌های توسعه‌ی اجتماعی شاخص‌های متفاوتی را عنوان کرده‌اند. از نظر بابایی‌فرد تحقق توسعه‌ی اجتماعی با مؤلفه‌هایی چون بهبود در کیفیت زندگی، تحقق برابری و عدالت اجتماعی، نیل به یکپارچگی اجتماعی، تحقق نظام شایسته‌سالاری و جامعه‌ی دموکراتیک و مشارکت اجتماعی و تقویت قابلیت و ظرفیت نظام اجتماعی پذیرش تکرر اجتماعی با حفظ انسجام ملی، ارتقای توانمندی‌های انسانی، تحقق جامعه‌ی مدنی، دموکراسی اجتماعی، رفاه اجتماعی و سرمایه‌ی اجتماعی اشاره کرد (بابایی‌فرد، ۱۳۸۹: ۳۲).

همچنین تاکنون در هندوستان چهار برنامه‌ی پنج ساله را به پایان رسانیده‌اند و اخیراً پنجمین برنامه آغاز شده است (شهادتی، ۱۳۶۷: ۱۸۰). یکی از هدف‌های مشخص اصلی پنجمین برنامه‌ی پنج ساله زدودن فقر و کاستن نابرابری‌هاست. طرح‌های توسعه‌ی اجتماعی مزبور در زیر پنج عنوان اصلی ذکر شده است:

- ۱- تندرستی، رفاه خانواده و تغذیه
 - ۲- توسعه‌ی شهری، مسکن و منابع آب
 - ۳- آموزش و پرورش
 - ۴- اشتغال نیروی انسانی و رفاه کارگران
 - ۵- توسعه‌ی طبقات عقب‌مانده و رفاه اجتماعی
- تودارو که یکی از صاحب‌نظران در این زمینه است می‌گوید: توسعه در همه‌ی جوامع باید هدف‌های اساسی را پیگیری کند.

- ۱- دسترسی بیشتر به امکانات تداوم بخش زندگی مانند خوراک، مسکن و بهداشت.
- ۲- بالا رفتن سطح زندگی با افزایش درآمد، ایجاد زمینه‌ی اشتغال و آموزش بهتر.
- ۳- گسترش دامنه‌ی انتخاب‌های اقتصادی و اجتماعی افراد و ملت‌ها، با رهانیدن آن‌ها از قید بردگی و وابستگی (تودارو، ۱۳۷۸: ۲۶).

شاید بتوان بیان کرد که اولین سند مهم سازمان ملل متحد در خصوص توسعه‌ی اجتماعی مربوط به گزارش سال ۱۹۵۴ گروهی از کارشناسان در خصوص تعریف بین‌المللی و سنجش معیار و سطوح توسعه‌ی اجتماعی است. این شاخص‌ها عبارتند از:

- ۱- بهداشت شامل شرایط جمعیت‌شناختی
- ۲- غذا و تغذیه

- ۳- آموزش و پرورش شامل مواد و مهارت‌آموزی
 - ۴- شرایط کار
 - ۵- وضعیت اشتغال
 - ۶- مصرف کل پس‌اندازها
 - ۷- حمل و نقل
 - ۸- مسکن شامل تسهیلات خانگی
 - ۹- پوشاک
 - ۱۰- تفریح و استراحت
 - ۱۱- امنیت اجتماعی
 - ۱۲- آزادی‌های بشری (زاهدی، ۱۳۸۶: ۲۵۷).
- کلانتری و همکاران این چنین اظهار می‌کنند که: درگردهمایی و نشست سران ۱۱۷ کشور جهان در ماه مارس ۱۹۹۵ که در کپنهاگ دانمارک برگزار شده بود، به صورت کلی ابعاد و شاخص‌های توسعه‌ی اجتماعی برای کشورها به شکل زیر مشخص شد:
- ۱- بهداشت و درمان
 - ۲- مسکن و جاه پناه
 - ۳- اشتغال
 - ۴- جمعیت و تنظیم خانواده
 - ۵- درآمد ملی و توزیع آن
 - ۶- برنامه‌ی رفاه و تأمین اجتماعی (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴).

چارچوب نظری پژوهش

در این قسمت چند نظریه مطرح و بررسی می‌شود و بعد رویکرد مقاله به صورت تفصیلی بیان خواهد شد:

دیدگاه‌های مارکسیستی

دیدگاه‌های مارکسیستی بر ارزش‌های مبتنی بر مساوات اجتماعی در بحث توسعه‌ی اجتماعی تأکید دارند. دونگ کیم^۱ توسعه‌ی اجتماعی را درجه‌ای از ساختار اجتماعی

^۱ Dong Kim

می‌داند که به اکثریت مردم محروم جامعه نه تنها اجازه‌ی تقاضا برای برخورداری از منابع ملی را می‌دهد بلکه در جهت رسیدن به آن هدف، آنها را یاری می‌کند. از نظر او اگر تغییر ساختاری جامعه در مسیری باشد که فرصت‌های لازم را برای دستیابی توده‌ی محروم به سهم خود از منابع ملی در اختیار آنها قرار دهد، این مسیر در اصل همان فرایند توسعه است، در واقع فرایند توسعه‌ی اجتماعی از دیدگاه این رهیافت فرایندی است عاری از استعمار و استثمار خارجی در جامعه (ناطق پور، ۱۳۸۶: ۴۰).

نظریه پردازان «رفاه‌گرا»

اما نظریه‌پردازان «رفاه‌گرا توسعه‌ی اجتماعی را در حرکت به سوی کیفیت بهتر زندگی می‌دانند. برای مثال: از نظر وارنر توسعه‌ی اجتماعی در فراهم کردن امکانات زندگی مردم در جامعه خلاصه می‌شود. و بر نیز در بیان اهمیت امکانات زندگی معتقد است که شانس زندگی عبارت است از امکان دستیابی به شرایط زندگی مناسب‌تر و تجربه‌های زندگی شخصی بهتر (همان).

در حالت کلی رفاه اجتماعی را می‌توان از ابعاد متفاوتی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. در مبانی مطالعات اجتماعی، آن را مجموعه‌ای متشکل از خدمات، مؤسسات و نهادها برای تأمین زندگی مطلوب و برخورداری از موهبت‌های طبیعی و منابع اجتماعی تعریف می‌کنند.

و به عبارت دیگر، طرفداران رفاه اجتماعی احساس می‌کنند که جنبه‌هایی خاص، از زندگی اجتماعی نباید به دست خیال‌پردازی‌های بازار سپرده شوند. این اهداف رفاهی شامل تولید امکانات رفاهی معمولی مانند بیمه‌ی بیکاری، بهداشت، آموزش و پرورش، بازنشستگی فقرزدایی است. در نظریات جدید به برآورده شدن نیازها پرداخته نمی‌شود، بلکه مهیا کردن شرایط از جمله بیمه‌ی اجتماعی را یک اولویت برجسته می‌دانند، در عین حال مهیا کردن شرایط یعنی توزیع‌های مجدد رفاه اجتماعی (درآمد، پرداخت‌های نقدی، غیر نقدی و شرایط رفاه را بوجود می‌آورند) (نوبخت، ۱۳۹۴: ۱۶۱).

دیدگاه آمارتیا سن به توسعه

سن شرط تحقق توسعه را «حقوق‌مداری» و «مشارکت محوری» آن می‌دانند. توسعه از آنجا و در آنجا آغاز می‌شود که به حقوق اساسی فرد و جامعه اعتنا شود و فرد و جامعه در فرایندهای توسعه، کنشگران فعال باشند. بر طبق نظریه‌ی سن، توسعه‌ی مستلزم حذف

ناآزادی‌ها است یا به عبارت دیگر توسعه مستلزم گسترش و دوام آزادی است، این ناآزادی‌ها شامل: فقر، استبداد، فرصت‌های اقتصادی محدود، محرومیت‌های نظام‌دار اجتماعی، به فراموشی سپردن خدمات عمومی، عدم تساهل و فعالیت‌های بازدارنده دولت‌های دخالت‌گر، از جمله این ناآزادی‌ها است (سن، ۱۳۹۲: ۱۲۰).

در رویکرد سرمایه‌ی انسانی نگاه ابزارگرایانه به انسان حاکم است در حالی که در رویکرد قابلیت انسانی (رویکرد سن) کرامت انسان هدف و غایت توسعه است. در رویکرد سن، گسترش آزادی هم به عنوان هدف و هم به عنوان ابزار توسعه دیده شده است و به بیانی دیگر در رویکرد سن، توسعه جوهره‌ی امکان‌های آزادی شناخته شده است.

سن پنج نوع آزادی را مطرح می‌کند:

- ۱- آزادی سیاسی
- ۲- آزادی تسهیلات (امکانات) اقتصادی
- ۳- فرصت‌های اجتماعی
- ۴- وضوح تعهدات
- ۵- امنیت حمایتی

این آزادی‌ها نه تنها هدف غایی توسعه هستند بلکه از ابزار اساسی آن هستند (همان). آزادی‌های سیاسی به فرصت‌هایی اشاره دارد که مردم از آن طریق می‌توانند تصمیم بگیرند که چه کسی و بر اساس چه اصولی باید حکومت کند، امکان بررسی عملکرد انتقاد از مسئولان فراهم باشد. آزادی بیان و نشریات بدون سانسور وجود داشته باشد، انتخاب بین احزاب متفاوت امکان‌پذیر باشد. (همان: ۱۵۰).

امکانات اقتصادی شامل: فرصت‌هایی است که به وسیله‌ی آن افراد می‌توانند از منابع اقتصادی، به منظور مصرف، تولید یا مبادله استفاده کنند (همان فرصت‌های اجتماعی به ترتیبیاتی اطلاق می‌شود که جامعه برای امور تأثیرگذار به آزادی‌های اساسی افراد در راستای زندگی بهتر وضع می‌کند؛ آموزش، بهداشت، درمان و جز اینها ... این تسهیلات نه تنها برای گذراندن زندگی مشخصی مهم است بلکه از نظر مشارکت فعال‌تر و مؤثرتر در فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی نیز اهمیت دارد (همان: ۱۵۱).

در مراودات اجتماعی افراد بر اساس فرض‌هایی درباره‌ی آنچه به آنها وعده داده شده است و آنچه بدست خواهند آورد، عمل می‌کنند. به عبارت دیگر جامعه بر اساس پیش فرض‌هایی مبتنی بر اعتماد عمل می‌کند. تضمین وضوح و شفافیت مربوط است به درجه‌ی

آشکاری امور آن چنان که مردم انتظار دارند: آزادی مراد و متقابل باید متکی به ضمانت‌های وضوع و افشا باشد (سن، ۱۳۹۲: ۱۵۲).

و بالاخره حتی در نظام‌های اقتصادی موفق نیز پاره‌ای از مردم ممکن است در حاشیه‌ی آسیب‌پذیری قرار داشته باشند و احتمالاً در اثر تغییرات مادی که تأثیر منفی بر زندگی آنان دارد مجبور به تسلیم شدن به محرومیت‌های چشم‌گیر شوند. برای جلوگیری از سقوط این گروه از جمعیت به بینوایی و فقر و حتی در پاره‌ای از موارد ابتلا به گرسنگی و مرگ به امنیت‌های حمایتی نیاز دارند؛ گستره‌ی امنیت‌های حمایتی شامل ترتیبات سازمانی از قبیل پرداخت به بیکاران، کمک‌های قانونی به تهیدستان و هم در برگیرنده‌ی ترتیبات موردی مانند پیشگیری از قحطی یا ایجاد اشتغال در فوریت‌ها برای تأمین درآمد نیازمندان می‌باشد (همان: ۱۵۳). مبنای رویکرد ما در بخش مؤلفه‌های انسان‌گرایانه توسعه‌ی اجتماعی، نظریه‌ی توسعه به مثابه آزادی آمارتیاسن، می‌باشد. دلیل آن توجه به نقش اساسی انسان توسط سن در فرایند توسعه است. سن توسعه را فرایندی چندوجهی می‌داند که تنها یک بخش آن توسعه‌ی اقتصادی و رفاه اجتماعی است؛ و این ابعاد چندگانه در تماس با هم هستند که فرایند توسعه را کامل می‌کنند.

شاخص‌سازی توسعه اجتماعی

در تحلیل محتوا نیاز به شاخص یا مقوله در مورد موضوع مورد نظر است. لذا به شکل اسنادی و کتابخانه‌ای به گردآوری شاخص‌ها، ابعاد و معرف‌های در نظر گرفته شده توسعه‌ی اجتماعی در سطوح ملی و بین‌المللی پرداخته شده است. به این شکل که پس از شناسایی شاخص‌ها و ابعاد مذکور در کتب، مجلات، فصل‌نامه‌ها، مقالات، اجلاس مجامع رسمی بین‌المللی رسمی و همچنین در قوانین برنامه‌های توسعه‌ی کشور و با مطالعه‌ی قانون اساسی کشور (که بنا و اساس تمام برنامه‌های توسعه‌ی کشور باید بر اساس اصول آن طرح‌ریزی و تدوین گردد و همچنین یکی از منابع معتبر در جهت ارزیابی برنامه‌های توسعه مبنی بر اینکه، آیا در وضع برنامه‌های توسعه‌ی کشور به اجرایی شدن اصول قانون اساسی توجه شده است) اقدام به طراحی شاخص‌های اندازه‌گیری توسعه‌ی اجتماعی گردید. در این بخش با توجه به مبانی نظری تحقیق و پیشینه‌ی تجربی، برای توسعه‌ی اجتماعی دو بعد جداگانه در نظر گرفته شده است.

بعد اول؛ "شاخص‌های رفاه‌گرایانه‌ی توسعه‌ی اجتماعی" می‌باشد. این بعد از توسعه را تمامی تحقیقات داخلی و خارجی و مجلات بین‌المللی به‌عنوان توسعه‌ی اجتماعی در نظر

می‌گیرند ولی آنچه که آن را به دست فراموشی می‌سپارند انسان و آزادی‌های انسان در توسعه می‌باشد. لذا در این قسمت بعد دوم "شاخص‌های انسان‌گرایانه توسعه‌ی اجتماعی" مطرح شد؛ بعدی که در تمامی تحقیقات قبلی داخلی و خارجی به آن هیچ توجهی نشده است. توسعه‌ی اجتماعی به این آرمان پایبند است که هر انسان فی‌نفسه ارزشمند است و انسان دغدغه‌ی اصلی جامعه است؛ احترام به شخص انسانیت در قلب فلسفه‌ی توسعه اجتماعی قرار دارد.

ابعادی که برای توسعه‌ی اجتماعی در این پژوهش در نظر گرفته شده است به این قرار می‌باشد:

توسعه‌ی اجتماعی:

الف) شاخص‌های رفاه‌گرایانه

ب) شاخص‌های انسان‌گرایانه

الف) شاخص‌های رفاهی توسعه‌ی اجتماعی:

۱- بهداشت

۲- آموزش

۳- مسکن و تغذیه

۴- حمل و نقل

۵- تفریحات و استراحت

۶- تأمین اجتماعی

۷- اشتغال و کار

ب) شاخص‌های انسان‌گرایانه‌ی توسعه‌ی اجتماعی

۱- امنیت اجتماعی

۲- مشارکت اجتماعی

۳- تکثر سیاسی و اجتماعی

۴- توجه به آسیب‌های اجتماعی

۵- وضعیت زنان و حمایت از خانواده

۶- عدالت اجتماعی

۷- برابری و برقراری حقوق اقلیت‌های مذهبی و قومی و دینی

بر اساس شاخص‌ها و معرف‌های در نظر گرفته شده به تحلیل قوانین برنامه‌ی توسعه پرداخته شده است.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش از تحلیل محتوای کمی با تأکید بر جنبه‌های آشکار و پنهان متن، تمامی پنج دوره قانون برنامه‌ی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، استفاده شده است. تجزیه و تحلیل محتوای پیام ارتباطی یک روش مهم در مطالعات اجتماعی و علوم ارتباطات است که با بهره‌گیری از آن می‌توان انواع مسائل و موضوعات مورد بحث در مطبوعات، رادیو و تلویزیون، فیلم‌های سینمایی، کارتون، مصاحبه و موسیقی را چه از نظر کمیت - فراوانی و تکرار - و چه از لحاظ کیفیت - اهمیت و ارزش - بررسی کرد (هولستی، ۱۳۸۰).

برلسون تحلیل محتوا را روشی برای توصیف عینی، کمی و قاعده‌مند محتوای آشکار ارتباطات می‌داند. همچنین هارولد لاسول، تحلیل محتوا را تکنیکی می‌داند که هدف آن عبارت است از توصیف آنچه در یک زمان و یک مکان معین درباره‌ی یک موضوع معین گفته می‌شود با حداکثر عینیت و دقت و عمومیت ممکن (محمدی‌مهر، ۱۳۸۹: ۲۶).

بر اساس کتاب تحلیل پیام‌های رسانه‌ای، تحلیل محتوای کمی، آزمون نظامند و تکرار پذیر نهادهای ارتباطی‌ای است که طی آن ارزش‌های عددی بر اساس قوانین معتبر اندازه‌گیری به متن نسبت داده می‌شود و سپس با استفاده از روش‌های آماری روابط بین آن ارزش‌ها تحلیل می‌شود. این عمل به منظور توصیف محتوای ارتباطات، استخراج نتیجه درباره‌ی معنی آن یا پی بردن به بافت و زمینه ارتباط هم در مرحله تولید و هم در مرحله مصرف صورت می‌گیرد (رایف و همکاران، ۱۳۸۱: ۲۵).

اهمیت و ارزش تحلیل محتوا در توانایی پژوهشگر در ساختن مقوله‌هاست که در واقع متغیرهای تحقیق هستند.

ساختن مقوله‌ها مستقیماً به موضوع و هدف تحقیق مربوط است. بدون داشتن هدف مشخص نمی‌توان سخن از ساختن مقوله‌های تحقیق گفت (بدیعی، ۱۳۸۰: ۷). لازم به یادآوری می‌باشد که در بخش ارزیابی برنامه‌های توسعه برای بیان اینکه منظور از تبصره یا خط مشی‌های مربوط به شاخص‌های رفاهی و انسان‌گرایانه، چه می‌باشد، در زیر هر جدول و داخل پرانتز به ذکر نمونه‌ای از تبصره‌ها و خط مشی‌های هر برنامه‌ی توسعه پرداخته‌ایم (لازم به یادآوری می‌باشد که در طول این تحقیق، تأکید پژوهشگران در تمام پنج برنامه‌ی توسعه‌ی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، بر روی خط مشی‌ها یا همان ماده واحده‌ها، تبصره‌ها، اهداف کلی و جزئی می‌باشد و بر اساس این موارد تحلیل صورت گرفته است).

جامعه آماری پژوهش

جامعه آماری این تحقیق قوانین برنامه‌های اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۹۴ می‌باشد.

به دلیل آنکه جامعه آماری تحقیق، تمامی قوانین برنامه‌های پنج‌گانه توسعه، است لذا نمونه‌گیری در تحقیق وجود ندارد و کل قوانین توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نمونه مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند.

جدول ۱: ارزیابی برنامه‌ی اول توسعه: جدول برنامه‌ی اول

شاخص‌های رفاهی	شماره‌ی خط مشی‌ها (ماده‌ی واحدها)	شماره‌ی تبصره‌ها	تعداد	درصد خط مشی‌ها و تبصره‌ها
۱- بهداشت	۰	۱۰، ۱۳، ۱۵، ۱۶	۴	٪۱۱/۷۶
۲- آموزش	۰	۱۰، ۱۲، ۱۴، ۲۴، ۲۶، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸	۱۰	٪۲۹/۴۱
۳- مسکن و تغذیه	۶	۱۱	۲	٪۵/۸۸
۴- حمل و نقل	۴، ۴	۳۱	۳	٪۸/۸۲
۵- تفریحات استراحت	۳	۵۱	۲	٪۵/۸۸
۶- تأمین اجتماعی	۰	۰	۰	۰
۷- اشتغال و کار و تولید	۶، ۲، هدف‌ها	۷، ۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۴۱	۷	٪۲۰/۵۸
شاخص‌های انسان‌گرایانه	شماره‌ی خط مشی‌ها (ماده‌ی واحدها)	شماره‌ی تبصره‌ها	تعداد	درصد خط مشی‌ها و تبصره‌ها
۱- امنیت اجتماعی	۹	۰	۱	٪۲/۹۴
۲- مشارکت اجتماعی	۸	۸	۲	٪۵/۸۸
۳- تکثر سیاسی و اجتماعی	۰	۰	۰	۰
۴- توجه به آسیب‌های اجتماعی	۰	۰	۰	۰
۵- وضعیت زنان و حمایت از خانواده	۰	۰	۰	۰
۶- عدالت اجتماعی (توجه به فقر و درآمدها)	۵	۵، ۶	۳	٪۸/۸۲
۷- برابری و برقراری حقوق مذهبی و قومی دینی	۰	۰	۰	۰
تعداد	۸	۲۶	۳۴	٪۱۰۰

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، اگر بخواهیم میزان سیاست‌گذاری و توجه به شاخص‌های رفاهی و انسان‌گرایانه را بر تعداد اصول و تبصره‌های وضع شده بدهیم، مشخص می‌شود که در برنامه‌ی اول در قسمت شاخص‌های رفاهی، آموزش (تبصره‌ی ۱۴): دولت موظف است اقدامات لازم جهت تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش را به عمل آورده و حداکثر ظرف مدت شش ماه از تصویب این قانون لایحه‌ی مورد نیاز را تهیه و به مجلس شورای اسلامی ارائه نماید. نمونه‌ای از تبصره‌های پرداخته شده به شاخص آموزش در برنامه‌ی توسعه‌ی اول) بیشترین توجهات را جذب کرده است ولی در مورد تأمین اجتماعی هیچ توجهی صورت نگرفته است. اما در بخش شاخص‌های انسان‌گرایانه به هیچ یک از چهار شاخص، تکثر سیاسی و اجتماعی، توجه به آسیب‌های اجتماعی، وضعیت زنان و حمایت از خانواده برابری و برقراری حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی، نه هیچ تبصره و نه خط مشی‌ای وجود ندارد. در یک نتیجه‌ی کلی از این برنامه می‌توان گفت که به بعد رفاهی به میزان کم و به بعد انسان‌گرایانه هیچ توجهی در این برنامه شده است و دارای نقاط ضعف فراوان می‌باشد.

جدول ۲: ارزیابی برنامه‌ی دوم توسعه: جدول برنامه‌ی دوم

شاخص‌های رفاهی	شماره‌ی خط مشی‌ها (ماده‌ی واحدها)	شماره‌ی تبصره‌ها	تعداد	درصد خط مشی‌ها و تبصره‌ها
۱- بهداشت		۹۴، ۲۸	۲	۳/۱۲٪
۲- آموزش	۵	۳۶، ۳۷، ۶۱، ۶۲، ۶۴، ۸۴، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۳، ۹۲	۱۳	۲۰/۳۱٪
۳- مسکن و تغذیه	۰	۸۵، ۱۶	۲	۳/۱۲٪
۴- حمل و نقل	۰	۷۸، ۱۰۱، ۲۵	۳	۴/۶۸٪
۵- تفریحات استراحت	۰	۶۸، ۶۷، ۶۰، ۵۸	۴	۶/۲۵٪
۶- تأمین اجتماعی	سیاست کلان ۴	۱۲، ۱۳، ۱۸، ۴۳، ۵۰، ۶۳، ۹۲، ۹۵	۸	۱۲/۵٪
۷- اشتغال و کار و تولید	۴، سیاست کلان ۲ زیر عنوان بازار کار، سیاست کلان ۶	۴، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۶۰، ۹۵، ۸۰	۱۰	۱۵/۶۲٪
شاخص‌های انسان‌گرایانه	شماره‌ی خط مشی‌ها (ماده‌ی واحدها)	شماره‌ی تبصره‌ها	تعداد	درصد خط مشی‌ها و تبصره‌ها
۱- امنیت اجتماعی	۱۳	۱۰۱، ۷۰، ۵۳	۴	۶/۲۵٪

شاخص‌های رفاهی	شماره‌ی خط مشی‌ها (ماده‌ی واحدها)	شماره‌ی تبصره‌ها	تعداد	درصد خط مشی‌ها و تبصره‌ها
۲- مشارکت اجتماعی	۸، ۳، ۲	۴۲، ۳۹، ۷	۶	٪ ۹/۳۷
۳- تکثر سیاسی و اجتماعی
۴- توجه به آسیب‌های اجتماعی
۵- وضعیت زنان و حمایت از خانواده	.	۶۵	۱	٪ ۱/۵۶
۶- عدالت اجتماعی (توجه به فقر و درآمدها)	۱	۱۰، ۲، ۱۱، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۲۱، ۱۲	۹	٪ ۱۴/۰۶
۷- برابری و برقراری حقوق مذهبی و قومی دینی
تعداد	۹	۵۵	۶۴	٪ ۱۰۰

همان‌طور که در جدول ۲ دیده می‌شود سیاست‌گذاری در دو بخش رفاهی و انسان‌گرایانه‌ی توسعه، بهبود و تغییر بسیار زیادی کرده است اما همچنان مثل برنامه‌ی اول شاخص آموزش (تبصره‌ی ۶۲: دولت موظف است تمهیدات لازم برای اجباری کردن شرکت کودکان لازم‌التعلیم در آموزش اجباری و شرکت بیسوادان کمتر از ۴۰ سال را در دوره‌های سوادآموزی فراهم آورد ...) بیشترین توجه را به خود جلب کرده است و شاخص‌های بهداشت (تبصره‌ی ۹۴: دولت موظف است از محل منابع بودجه‌ی عمومی نسبت به تکمیل تأسیسات، تجهیزات و نیروی انسانی شبکه‌های بهداشتی درمانی کشور به ترتیب اولویت‌های خانه بهداشت، مراکز بهداشتی درمانی روستایی پایگاه‌های بهداشتی و مراکز بهداشتی درمانی شهری اقدام نماید ...) و شاخص مسکن و تغذیه (تبصره‌ی ۱۶ درباره‌ی تغذیه: سیاست پرداخت سوبسید به کالاهای اساسی و دارو و شیر خشک در برنامه‌ی دوم ادامه خواهد داشت. دولت موظف است طی این برنامه سوبسید دارو، شیر خشک و کالاهای اساسی شامل گندم، برنج، روغن نباتی، قند و شکر و پنیر را بر مبنای اعتبار ارزی مصوب در سال ۱۳۷۲ پرداخت نماید) کمترین توجه را جلب کرده است. در بخش شاخص‌های انسان‌گرایانه همچنان سه شاخص تکثر سیاسی و اجتماعی توجه به آسیب‌های اجتماعی، برابری و برقراری حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی هیچ تبصره و خط مشی وجود ندارد. می‌توان گفت که این برنامه هم به شاخص‌های انسان‌گرایانه توجه نکرده است.

جدول ۳: ارزیابی برنامه‌ی سوم توسعه: جدول برنامه‌ی سوم

شاخص‌های رفاهی	شماره خط مشی‌ها (ماده‌ی واحدها)	شماره‌ی تبصره‌ها	تعداد	درصد خط مشی‌ها و تبصره‌ها
۱- بهداشت	۱۹۴، ۱۹۳، ۱۹۲، ۱۰۴، ۱۹۷، ۱۹۶، ۱۹۵	۰	۷	٪۱۰/۲۹
۲- آموزش	۱۰۳، ۱۰۱، ۹۹، ۵۸، ۱۴۸، ۱۴۶، ۱۴۴، ۱۴۳، ۱۵۴، ۱۵۳، ۱۵۲، ۱۵۰	۰	۱۲	٪۱۷/۶۴
۳- مسکن و تغذیه	۱۴۱، ۱۴۰، ۱۳۹، ۱۳۸	۰	۴	٪۵/۸۸
۴- حمل و نقل	۱۲۹، ۱۲۸، ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۳۲، ۱۳۱، ۱۳۰	۰	۷	٪۱۰/۲۹
۵- تفریحات استراحت	۱۶۴، ۱۶۲، ۱۶۱، ۱۵۷، ۱۶۹، ۱۶۷	۰	۶	٪۸/۸۲
۶- تأمین اجتماعی	۴۲، ۴۰، ۳۹، ۳۷، ۲۷، ۱۷۴، ۱۴۷، ۴۴	۰	۸	٪۱۱/۷۶
۷- اشتغال، کار و تولید	۵۳، ۵۱، ۴۹، ۴۸، ۳، ۵۷، ۵۶، ۵۵، ۵۴	۰	۹	٪۱۳/۲۳
شاخص‌های انسان‌گرایانه	شماره‌ی خط مشی‌ها (ماده‌ی واحدها)	شماره‌ی تبصره‌ها	تعداد	درصد خط مشی‌ها و تبصره‌ها
۱- امنیت اجتماعی	۱۸۷، ۱۷۹، ۱۷۳	۰	۳	٪۴/۴۱
۲- مشارکت اجتماعی	۲	۰	۱	٪۱/۴۷
۳- تکثر سیاسی و اجتماعی	۰	۰	۰	۰
۴- توجه به آسیب‌های اجتماعی	۳۸	۰	۱	٪۱/۴۷
۵- وضعیت زنان و حمایت از خانواده	۱۵۸	۰	۱	٪۱/۴۷
۶- عدالت اجتماعی (توجه به فقر و درآمدها)	۵۰، ۴۷، ۴۶، ۴۳، ۳۶، ۱۵۵، ۱۳۷، ۱۲۵، ۷۱	۰	۹	٪۱۳/۲۳
۷- برابری و برقراری حقوق مذهبی و قومی دینی	۰	۰	۰	۰
تعداد	۶۸	۰	۶۸	٪۱۰۰

با مشاهده‌ی جدول برنامه‌ی سوم می‌توان این نتیجه را بدست آورد که میزان توجه به شاخص‌های رفاهی و انسان‌گرایانه، نسبت به دو برنامه‌ی قبل بهبود چشم‌گیری یافته است. علی‌الخصوص در بخش شاخص‌های رفاهی می‌توان مشاهده کرد که درباره‌ی هر یک از این شاخص‌ها، خط مشی‌های متفاوت تدوین شده است.

در این برنامه به شاخص‌های حمل و نقل (خط مشی ۱۲۶: به شرکت سهامی راه آهن جمهوری اسلامی ایرانی اجازه داده می‌شود به منظور ارائه‌ی خدمات حمل و نقل منطقه‌ای، ترانزیتی و چند وجهی با مشارکت کشورهای عضو اگو نسبت به ایجاد شرکت‌های حمل و نقل بین‌المللی اقدام کند) تفریحات و استراحت (خط مشی ۱۶۱: به منظور بازسازی سینماها و مجتمع‌های فرهنگی و ساخت سینماها و مجتمع‌های فرهنگی جدید و تالارهای نمایش در شهرهایی که بیش از پانزده هزار نفر جمعیت دارند ...) و بهداشت (خط مشی ۱۹۶: به منظور تنظیم بازار دارو، تأمین ارز مورد نیاز برای ورود مواد اولیه‌ی دارویی و داروهای ساخته شده‌ی وارداتی، جلوگیری از افزایش بی‌رویه‌ی قیمت داروهای بهداشتی و طولانی مصرف ضروری، حمایت از نظام بیمه‌ای و جلوگیری از عوارض و مخاطرات دارویی اقدامات ...) نیز توجه شده است، اما در بخش شاخص‌های انسان‌گرایانه دو شاخص تکثر سیاسی و اجتماعی و برابری و برقراری حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی، هیچ توجهی صورت نگرفته است و به شاخص‌های دیگر انسان‌گرایانه توسعه به مقدار کم توجه شده است. در نتیجه در این برنامه مثل برنامه‌های توسعه‌ی قبل، بیشترین توجه به امر آموزش با ۱۲ خط مشی می‌باشد.

جدول ۴: ارزیابی برنامه‌ی چهارم توسعه: جدول برنامه‌ی چهارم

شاخص‌های رفاهی	شماره‌ی خط مشی‌ها (ماده‌ی واحدها)	شماره‌ی تبصره‌ها	تعداد	درصد خط مشی‌ها و تبصره‌ها
۱- بهداشت	۸۷، ۸۶، ۸۵، ۶۲، ۵۹، ۹۳، ۹۰، ۸۹، ۸۸	۰	۹	٪۱۶/۳۶
۲- آموزش	۵۰، ۴۸، ۴۷، ۴۶، ۴۳، ۵۴، ۵۲	۰	۷	٪۱۲/۷۲
۳- مسکن و تغذیه	۸۴، ۲۸	۰	۲	٪۳/۶۳
۴- حمل و نقل	۲۸	۰	۱	٪۱/۸۱
۵- تفریحات استراحت	۱۱۷، ۱۱۲، ۱۰۴، ۳۴	۰	۴	٪۷/۲۷
۶- تأمین اجتماعی	۱۴۷، ۹۶، ۹۲، ۹۱، ۳	۰	۵	٪۹/۰۹
۷- اشتغال و کار و تولید	۱۰۴، ۱۰۱، ۵۵، ۴۱، ۱۵۰، ۱۴۸	۰	۶	٪۱۰/۹
شاخص‌های انسان گرایانه	شماره‌ی خط مشی‌ها (ماده‌ی واحدها)	شماره‌ی تبصره‌ها	تعداد	درصد خط مشی‌ها و تبصره‌ها
۱- امنیت اجتماعی	۱۲۱، ۱۱۹، ۱۱۶، ۱۰۰، ۱۲۵	۰	۵	٪۹/۰۹
۲- مشارکت اجتماعی	۱۴۵، ۱۲۶، ۱۰۲	۰	۳	٪۵/۴۵
۳- تکثر سیاسی و اجتماعی
۴- توجه به آسیب‌های اجتماعی	۱۳۲، ۱۳۰، ۹۷	۰	۳	٪۵/۴۵
۵- وضعیت زنان و حمایت از خانواده	۱۱۱، ۹۸	۰	۲	٪۳/۶۳
۶- عدالت اجتماعی (توجه به فقر و درآمد‌ها)	۷۷، ۷۲، ۵۲، ۲۷، ۳، ۹۹، ۹۵	۰	۷	٪۱۲/۷۲
۷- برابری و برقراری حقوق مذهبی و قومی دینی	۱۲۰	۰	۱	٪۱/۸۱
تعداد	۵۵	۰	۵۵	٪۱۰۰

همچنان که در جدول مربوط به برنامه‌ی چهارم مشاهده می‌شود توجه به ابعاد مختلف توسعه، چه در بخش شاخص‌های انسان‌گرایانه و چه در بخش شاخص‌های رفاهی، کم و بیش وجود دارد. اما همچنان شاخص تکثر سیاسی و اجتماعی نیز در این برنامه هیچ توجهی به آن نشده است و در بخش برابری و برقراری حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی (خط مشی ۱۲۰ به منظور سیاست‌گذاری در مسائل مربوط به اقلیت‌های دینی شناخته شده و تقویت مشارکت آنان در اداره‌ی امور کشور و تحکیم همبستگی ملی، شورایی تشکیل می‌شود که شرح وظایف و ترکیب اعضای شورا توسط هیأت وزیران تهیه و به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد) تنها یک خط مشی دیده شده است، توجه به عدالت اجتماعی با هفت خط مشی در این برنامه اهمیت دارد.

در بخش شاخص‌های رفاه‌گرایانه نیز، حمل و نقل کمترین توجه به آن شده است ولی در این برنامه بهداشت بیشترین سیاست‌گذاری را با ۹ خط مشی داشته است؛ همچنین شاخص اشتغال و کار و تولید نیز در این (ماده‌ی ۱۰۴: دولت مکلف است به منظور رونق اقتصاد فرهنگ، افزایش اشتغال، بهبود کیفیت کالا و خدمات، رقابت‌پذیری، خلق منابع جدید، توزیع عادلانه‌ی محصولات و خدمات فرهنگی ... اقداماتی را انجام داد ...) به صورت قابل توجه به آن پرداخته شده است.

جدول ۵: ارزیابی برنامه‌ی پنجم توسعه: جدول برنامه‌ی پنجم

شاخص‌های رفاهی	شماره‌ی خط مشی‌ها (ماده‌ی واحدها)	شماره‌ی تبصره‌ها	تعداد	درصد خط مشی‌ها و تبصره‌ها
۱- بهداشت	۳۲، ۳۴، ۳۶، ۳۷	۰	۴	۶/۶۶٪
۲- آموزش	۸، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۲	۰	۸	۱۳/۳۳٪
۳- مسکن و تغذیه	۳۲ (تغذیه)، ۴۳ (مسکن)، ۱۴۹ (تغذیه)، ۱۶۸ (مسکن)، ۱۷۱ (مسکن)، ۱۷۲، ۱۷۶	۰	۷	۱۱/۶۶٪
۴- حمل و نقل	۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۲۳۲	۰	۷	۱۱/۶۶٪
۵- تفریحات استراحت	۶، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴	۰	۶	۱۰٪
۶- تأمین اجتماعی	۲۶، ۲۷، ۳۳، ۳۸	۰	۴	۶/۶۶
۷- اشتغال و کار و تولید	۲۱، ۵۷، ۶۹، ۷۲، ۷۳، ۸۰، ۸۲	۰	۷	۱۱/۶۶٪
شاخص‌های انسان گرایانه	شماره‌ی خط مشی‌ها (ماده‌ی واحدها)	شماره‌ی تبصره‌ها	تعداد	درصد خط مشی‌ها و تبصره‌ها
۱- امنیت اجتماعی	۴۰، ۱۹۵، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۰۹	۰	۸	۱۳/۳۳٪
۲- مشارکت اجتماعی	۱۰۴	۰	۱	۱/۶۶٪
۳- تکثر سیاسی و اجتماعی	۰	۰	۰	۰
۴- توجه به آسیب‌های اجتماعی	۲۰۷ (مواد مخدر)	۰	۱	۱/۶۶٪
۵- وضعیت زنان و حمایت از خانواده	۳۹، ۴۲، ۴۳، ۲۲۷، ۲۳۰	۰	۵	۸/۳۳٪
۶- عدالت اجتماعی (توجه به فقر و درآمدها)	۱۲۴، ۱۹۴	۰	۲	۳/۳۳٪
۷- برابری و برقراری حقوق مذهبی و قومی دینی	۰	۰	۰	۰
تعداد	۶۰	۰	۶۰	۱۰۰٪

همان‌طور که در جدول مربوط به برنامه‌ی پنجم توسعه دیده می‌شود، بخش رفاهی برنامه‌ی پنجم به تمامی هفت شاخص توجه شده است در این برنامه آموزش با هشت ماده طبق برنامه‌های قبل بیشترین توجه به آن بوده است. شاخص تأمین اجتماعی و بیمه

(ماده ۲۷: دولت مجاز است نسبت به برقراری و استقرار نظام جامع تأمین اجتماعی چند لایه با لحاظ حداقل سه لایه: مساعدت‌های اجتماعی، بیمه‌های اجتماعی، بیمه‌های مکمل بازنشستگی و درمان ... اقدام نماید)؛ و در بخش دیگر شاخص‌ها از توجهی متعادل و مناسبی برخوردار می‌باشد. در بخش شاخص‌های انسان‌گرایانه توسعه اجتماعی، شاخص امنیت اجتماعی (ماده ۲۰۹: به منظور تحکیم و ارتقاء امنیت اجتماعی و اخلاقی و پیشگیری و مقابله با هر گونه ناهنجاری فرهنگی و اجتماعی و اخلاقی در امنیت عمومی: دولت موظف است سازکارهای اجرائی لازم ... را فراهم نماید ...) با ۸ ماده بیشترین توجه را معطوف خود کرده است. اما دوباره تکثر اجتماعی و برابری و برقراری حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی هیچ توجهی به آن پرداخته شده است. می‌توان این نتیجه را از این جدول گرفت که بعد شاخص‌های توسعه اجتماعی در برنامه پنجم به آن‌ها خوب و متعادل پرداخته شده است ولی در بخش شاخص‌های انسان‌گرایانه سیر نزولی و برگشت به عقب داشته است.

مقایسه برنامه‌های پنج‌گانه توسعه

از آنجایی که از برنامه‌ی سوم به بعد (سوم، چهارم و پنجم) تبصره در برنامه‌های توسعه وجود ندارد و برنامه‌های تدوین شده در فصول مختلف و با ماده‌ها تعریف شده‌اند، تعداد ارجاعات هر برنامه را (چه از نظر تعداد تبصره چه خط مشی یا ماده‌ی واحدها) به عنوان ملاک ارزیابی شاخص‌ها در برنامه‌های پنج‌گانه در نظر گرفته شده است. در این قسمت هر یک از هفت شاخص رفاهی و هفت شاخص انسان‌گرایانه توسعه را به صورت مجزا و برای هر برنامه با هم مقایسه می‌شود تا تصویری روشن از میزان توجه به شاخص‌های توسعه اجتماعی ارائه داده شود. شکل کلی برنامه‌ها از نظر تعداد اصول و تبصره‌های پرداخته شده به شاخص‌های رفاهی و شاخص‌های انسان‌گرایانه توسعه اجتماعی به این قرار است: مجموع کل تبصره و ماده‌ها درباره‌ی شاخص‌های توسعه در برنامه‌ی اول (در هر دو بعد): ۳۴ تا می‌باشد که از این تعداد پنج تبصره و خط مشی درباره‌ی شاخص‌های انسانی و ۲۹ ماده‌ی دیگر به شاخص‌های رفاهی پرداخته شده است. مجموع کل ماده‌ها و تبصره‌ها درباره‌ی شاخص‌های رفاهی و انسان‌گرایانه در برنامه‌ی دوم توسعه: ۶۴ تا می‌باشد که از این تعداد ۲۰ ماده و تبصره درباره‌ی شاخص‌های انسانی و ۴۴ تای دیگر درباره‌ی شاخص‌های رفاهی می‌باشد. مجموع کل ماده‌ها درباره‌ی شاخص‌های انسانی و رفاهی در برنامه‌ی سوم توسعه: ۶۸ تا می‌باشد که از این تعداد ۱۵ تا درباره‌ی

شاخص‌های انسانی می‌باشد و ۵۳ تای دیگر درباره‌ی شاخص‌های رفاهی می‌باشد. همچنین مجموع کل ماده‌ها درباره‌ی شاخص‌های رفاهی و انسانی در برنامه‌ی چهارم: ۵۵ تا می‌باشد که از این تعداد ۲۱ تای آن درباره‌ی شاخص‌های انسانی توسعه و ۳۴ تای دیگر درباره‌ی شاخص‌های رفاهی می‌باشد. و در آخر اینکه از مجموع کل ماده‌ها درباره‌ی شاخص‌های انسانی و رفاهی در برنامه‌ی پنجم: ۶۰ تا می‌باشد که از این تعداد ۱۷ تای آن‌ها درباره‌ی شاخص‌های انسانی و ۴۳ تای دیگر آن درباره‌ی شاخص‌های رفاهی توسعه می‌باشد. از این داده‌ها می‌توان این‌گونه اولین نتیجه را درباره‌ی برنامه‌های توسعه گرفت، هر برنامه نسبت به برنامه‌ی قبلی توجهی بیشتری به توسعه‌ی اجتماعی در هر دو بعد شاخص‌های رفاهی و انسانی داشته است؛ ولی آنچه که می‌توان به‌عنوان دومین نتیجه از این بررسی اولیه ارائه کرد این است که در هر برنامه رویکرد رفاهی توسعه‌ی اجتماعی نسبت به رویکرد انسان-گرایانه خیلی مهم‌تر بوده است؛ و توجه بیشتری به آن (بعد رفاهی) شده است. حال آنکه در هر دو بخش شاخص‌های رفاهی و انسان‌گرایانه به برخی از معرفه‌ها هیچ توجهی نشده و به برخی توجه قابل درکی شده است. در ادامه‌ی تحلیل‌ها از جداول بررسی برنامه‌ی قانون توسعه، هر یک از هفت شاخص (رفاهی) و هفت شاخص (انسان‌گرایانه) توسعه در هر یک از پنج برنامه‌ی توسعه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد تا مشخص گردد در هر برنامه توجه به کدام بخش بوده و آیا برنامه‌ریزی حالتی انباشتی داشته است یا خیر؟

در بحث شاخص بهداشت در برنامه‌ی اول ۴ ماده و تبصره، در برنامه‌ی دوم ۲ ماده، در برنامه‌ی سوم ۷ ماده، در برنامه‌ی چهارم ۹ تبصره و در برنامه‌ی پنجم ۴ تبصره وجود دارد. این داده‌ها نشان می‌دهد که در برنامه‌ی چهارم و سوم به شاخص بهداشت توجهی بیشتری شده است و در برنامه‌ی دوم توجهی خیلی کمتری شده است.

در قسمت شاخص آموزش، در برنامه‌ی اول ۱۰ ماده، در برنامه‌ی دوم ۱۳ ماده، در برنامه‌ی سوم ۱۲ ماده، در برنامه‌ی چهارم ۷ ماده، در برنامه‌ی پنجم ۸ ماده به امر آموزش پرداخته است. می‌توان از این داده‌ها این‌چنین نتیجه گرفت که در تمامی برنامه‌های پنج‌گانه توجهی مناسب و متعادلی به امر آموزش و پرورش و آموزش عالی و پرورش نیروی انسانی متخصص شده است. البته لازم به یادآوری هست که آنچه در این تبصره‌ها و خط مشی‌ها درباره‌ی آموزش و پرورش وجود دارد، بیشتر قسمت رشد کمی و تغییرات آموزش مطرح می‌باشد، نه آموزش و پرورش رایگان برای همگان!

در بحث مسکن و تغذیه در برنامه‌ی اول ۲ ماده، در برنامه‌ی دوم ۲ ماده، در برنامه‌ی سوم ۴ ماده، در برنامه‌ی چهارم ۲ ماده و در برنامه‌ی پنجم ۷ ماده وضع شده است.

این اطلاعات نشان می‌دهد که به بعد مسکن و تغذیه، که هر دو جزء نیازهای ضروری انسان می‌باشد، توجهی خوبی نشده است و در هر برنامه به صورت خیلی محدود و گذرا به این دو بعد توجه شده است. فقط در برنامه‌ی پنجم نسبت به سایر برنامه‌ها اندکی بیشتر به مسکن و تغذیه پرداخته شده است. این عدم توجه به شاخص مسکن و تغذیه در تمامی این پنج برنامه، ضعف مدیران و کم‌توجهی آن‌ها را نشان می‌دهد.

در بحث شاخص حمل و نقل در برنامه‌ی اول ۳ ماده، در برنامه‌ی دوم ۳ ماده، در برنامه‌ی سوم ۷ ماده، در برنامه‌ی چهارم ۱ ماده و در برنامه‌ی پنجم ۷ ماده پرداخته شده است و جزء الویت‌های برنامه‌ریزی بوده ولی در برنامه‌ی چهارم تنها در یک ماده به آن پرداخته شده است که نشان‌دهنده‌ی کم‌توجهی به حمل و نقل می‌باشد هر گاه در کشوری حمل و نقل عمومی، ناوگان مسافربری، باری و نظامی ... گسترش یابد، اقتصاد آن کشور هم نیز رونق خواهد یافت. این شاخص نشان می‌دهد که در برنامه‌ی چهارم در بعد حمل و نقل یک ضعف اساسی وجود داشته است که خوشبختانه در برنامه‌ی پنجم آن توجه کافی شده است.

در قسمت شاخص تفریحات و استراحت در برنامه‌ی اول ۲ ماده، در برنامه‌ی دوم ۴ ماده، در برنامه‌ی سوم ۶ ماده، در برنامه‌ی چهارم ۴ ماده و در برنامه‌ی پنجم ۶ ماده وجود دارد که به تفریحات و استراحت پرداخته است. می‌توان گفت که در برنامه‌ی اول نسبت به دیگر برنامه‌ها توجهی کمتری به شاخص تفریحات و استراحت شده است و در دیگر برنامه‌های توسعه توجه کم و بیشی شده است.

در قسمت شاخص مربوط به توجه، به تأمین اجتماعی و بیمه‌های از کارافتادگی، سالخوردگان، زنان، سرپرست خانواده، بازنشستگی، تکمیلی در برنامه‌ی اول توسعه هیچ ماده و تبصره‌ای وجود ندارد، در برنامه‌ی دوم توسعه ۸ ماده، در برنامه‌ی سوم توسعه ۸ ماده، در برنامه‌ی چهارم توسعه ۵ ماده، و در برنامه‌ی پنجم توسعه ۴ ماده به این بحث پرداخته است. در یک نگاه می‌توان گفت که یکی از ضعف‌های برنامه‌ی اول توسعه نپرداختن به شاخص تأمین اجتماعی و ... است. اما در برنامه‌های دیگر توجه قابل‌ذکری به این مبحث شده است ولی آنچه که لازم به تذکر است این است که، در برنامه‌ی پنجم به جای این که به تأمین اجتماعی مثل دیگر برنامه‌ها توجه شود یا حتی اینکه از دیگر برنامه‌ها به این بحث بیشتر توجه شده باشد، مشاهده می‌شود که تأکید کمتری به شاخص تأمین اجتماعی شده است می‌توان گفت که برنامه‌ی پنجم ملاک‌های برنامه‌های دیگر را مد نظر قرار نداده و توجه خود را به شاخص‌هایی دیگر معطوف کرده است.

آخرین شاخص رفاه‌گرایانه یعنی اشتغال و کار و تولید، در برنامه‌ی اول ۷ ماده، در برنامه‌ی دوم ۱۰ ماده، در برنامه‌ی سوم ۹ ماده، در برنامه‌ی چهارم ۶ ماده و در برنامه‌ی پنجم ۷ ماده وجود دارد. این اطلاعات نشان می‌دهد که توجه به شاخص اشتغال در تمامی برنامه‌ها وجود داشته است و می‌توان آن را یکی از نقاط قوت این برنامه‌ها در نظر گرفت چرا که به صورت متعادل و متناسب به شاخص اشتغال پرداخته شده است. اگر بخواهیم در قسمت شاخص‌های رفاه‌گرایانه توسعه‌ی اجتماعی یک برنامه را معرفی کنیم که به تمامی شاخص‌ها به صورت متعادل پرداخته و نسبت به برنامه‌های دیگر به این شاخص‌ها قوی‌تر توجه کرده است، قطعاً برنامه‌ی سوم نسبت به دیگر برنامه‌ها از توجه و نکات بهتری برخوردار است؛ و اگر بخواهیم یک برنامه را به‌عنوان ضعیف‌ترین برنامه در بخش شاخص‌های رفاه‌گرایانه مطرح کنیم، قطعاً برنامه‌ی اول این چنین می‌باشد چرا که در این برنامه به شاخص تأمین اجتماعی و بیمه‌ها هیچ توجهی نشده و به بحث مسکن، تغذیه، حمل و نقل، تفریحات و استراحت کمترین توجه را داشته است.

در قسمت شاخص‌های انسان‌گرایانه‌ی توسعه هم ابتدا شاخص امنیت اجتماعی مطرح می‌باشد، که در برنامه‌ی اول ۱ ماده و تبصره، در برنامه‌ی دوم ۴ ماده، در برنامه‌ی سوم ۳ ماده، در برنامه‌ی چهارم ۵ ماده، و در برنامه‌ی پنجم ۸ ماده به این شاخص پرداخته است. این اطلاعات نشان می‌دهد که در برنامه‌ی اول به شاخص امنیت اجتماعی بسیار محدود توجه شده است و یکی دیگر از نقاط ضعف برنامه‌ی اول نیز می‌باشد، ولی در برنامه‌های دیگر توجهی کم و بیش وجود دارد.

در بحث شاخص مشارکت اجتماعی در برنامه‌ی اول ۲ ماده و تبصره، در برنامه‌ی دوم ۶ ماده و تبصره، در برنامه‌ی سوم ۱ ماده، در برنامه‌ی چهارم ۳ ماده، در برنامه‌ی پنجم ۱ ماده به این بحث پرداخته است. همان‌طور که از اطلاعات دیده می‌شود به جزء برنامه‌ی دوم که در ۶ ماده و تبصره به این شاخص پرداخته است، مشاهده می‌شود که در برنامه‌های دیگر توجه بسیار اندکی به این شاخص شده است و نشان‌دهنده‌ی این است که در تمامی برنامه‌ها ضعف مدیریت و سیاست‌گذاری در این شاخص وجود دارد.

در مورد شاخص سوم، تکثر سیاسی، در برنامه‌ی اول هیچ ماده و تبصره‌ای وجود ندارد، در برنامه‌ی دوم هیچ ماده‌ای وجود ندارد، در برنامه‌ی سوم هیچ ماده‌ای وجود ندارد، در برنامه‌ی چهارم هیچ ماده‌ای وجود ندارد، و در برنامه‌ی پنجم نیز هیچ ماده‌ای وجود ندارد. این بررسی نشان می‌دهد که در تمامی برنامه‌های پنج‌گانه‌ی سیاست‌گذاران و دولت‌مردان به بحث تکثر سیاسی و آزادی اجتماعی و ... هیچ توجه و اهمیتی نداده‌اند. این

شاخص یکی از نقاط ضعف تمامی برنامه‌های توسعه می‌باشد آمار تیاسن در کتاب توسعه یعنی آزادی از یک واقعیت تاریخی در هند و چین صحبت می‌کند، می‌گوید که به دلیل نبودن آزادی سیاسی و بیان و انتقاد نسبت به دولت، هنگامی که قطعی در چین ظهور کرد عده‌ی زیادی از مردم این کشور به دلیل گرسنگی جان باختند ولی هنگامی که در هند قطعی آمد چون در این کشور مردم از آزادی و تکثیر سیاسی برخوردار بودند، کسی جان خود را برای گرسنگی از دست نداد، علت اینکه در هند قحطی باعث مرگ کسی نشد ولی در چین عده‌ی زیادی را کشت، می‌گوید انتقاد مردم از دولت بود که باعث می‌شد به عملکرد و ذخایر خودشان توجه کنند (سن، ۱۳۹۳). با اینکه در متن قانون اساسی به صراحت درباره‌ی آزادی سیاسی (اصل ۲۶: احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت به یکی از آن‌ها مجبور کرد) پرداخته شده است ولی در تمامی برنامه‌های توسعه هیچ توجهی به آن نشده است.

در بحث شاخص توجه به آسیب‌های اجتماعی (اعتیاد، دزدی، روسپیگری و ...) در برنامه‌ی اول هیچ توجهی نشده، در برنامه‌ی دوم هیچ توجهی نشده، در برنامه‌ی سوم ۱ ماده، در برنامه‌ی چهارم ۳ ماده و در برنامه‌ی پنجم ۱ ماده وجود دارد. باز هم در تمامی برنامه‌ها نوعی ضعف در توجه کردن به این شاخص مهم دیده می‌شود زیرا اگر به این شاخص پرداخته شود بنیان خانواده و جامعه به خطر می‌افتد.

درباره‌ی شاخص وضعیت زنان و حمایت از خانواده در برنامه‌ی اول هیچ ماده و تبصره‌ای وجود ندارد، در برنامه‌ی دوم ۱ ماده، در برنامه‌ی سوم ۱ ماده، در برنامه‌ی چهارم ۲ ماده، در برنامه‌ی پنجم ۵ ماده، وجود دارد. این اطلاعات نشان می‌دهد که برنامه‌ی اول همچنان نسبت به شاخص‌های انسان‌گرایانه‌ی توسعه بسیار ضعیف بوده و برنامه‌های دیگر به جز برنامه‌ی پنجم، عملکرد بسیار ضعیفی دارند.

در بحث عدالت اجتماعی، در برنامه‌ی اول ۳ ماده و تبصره، در برنامه‌ی دوم ۹ ماده و تبصره، در برنامه‌ی سوم ۹ ماده، در برنامه‌ی چهارم ۷ ماده، و در برنامه‌ی پنجم ۲ ماده وجود دارد که به این مبحث پرداخته است. در این بررسی برنامه‌ی اول و پنجم نسبت به سه برنامه‌ی دیگر توجه خیلی کمتر به بحث عدالت اجتماعی و توجه به فقر داشته‌اند؛ در اصل چهل و سوم قانون اساسی به صراحت به ریشه‌کن کردن فقر و برآورده کردن نیازهای

انسان‌ها و محرومین اشاره شده است، لکن در این شاخص دیده می‌شود که برنامه‌ی اول و پنجم به موضوع عدالت اجتماعی و ریشه‌کن کردن فقر توجه اندکی داشته‌اند. آخرین شاخصی که در برنامه‌های توسعه به آن می‌پردازیم، برابری و برقراری حقوق اقلیت‌های مذهبی و قومی می‌باشد؛ در برنامه‌ی اول هیچ ماده و تبصره‌ای وجود ندارد، در برنامه‌ی دوم هیچ ماده و تبصره‌ای وجود ندارد، در برنامه‌ی سوم هیچ ماده‌ای وجود ندارد، در برنامه‌ی چهارم یک ماده و در برنامه‌ی پنجم هیچ ماده‌ای وجود ندارد. از این اطلاعات می‌توان به روشنی این نتیجه را گرفت که در تمامی برنامه‌های پنج‌گانه به تساوی حقوق هیچ توجهی نشده است در صورتی که در قانون اساسی اصل نوزدهم (اصل ۱۹): مردم ایرانی از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق مساوی برخوردار هستند و رنگ و نژاد و زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود) به تساوی حقوق همگان پرداخته است. در قسمت شاخص‌های انسان‌گرایانه‌ی توسعه‌ی اجتماعی با توجه به تحلیل‌های ارائه شده مشخص می‌شود که تمامی برنامه‌های توسعه از ضعف برخوردار هستند ولی اگر بخواهیم ضعیف‌ترین برنامه را در قسمت شاخص‌های انسان‌گرایانه مشخص کنیم، می‌توانیم برنامه‌ی اول توسعه را به‌عنوان ضعیف‌ترین برنامه انتخاب کنیم چرا که در برنامه‌ی اول بیشتر شاخص‌های انسان‌گرایانه مورد بی‌توجهی قرار گرفته و این نشان‌دهنده‌ی عدم کار کارشناسی و مدیریتی در این برنامه است.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر به بررسی بازتاب توسعه‌ی اجتماعی در قوانین برنامه‌ی توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۹۴ پرداخته شده است. توسعه‌ی اجتماعی بدون شک فرآیندی چند بعدی و در برگیرنده‌ی زنجیره‌ای از عوامل شامل جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی است و نیز مجموعه‌ای از فعالیت‌های چند سطحی است که دولت و نهادها، جامعه‌ی مدنی و حتی اجتماع جهانی در آن نقش دارند. در تمامی تحقیقات قبلی توسعه‌ی اجتماعی را تنها یک بعد می‌دانستند و آن هم بهبود شرایط رفاهی زندگی انسان‌ها بود. ولی در پژوهش کنونی یک بعد دیگر به توسعه‌ی اجتماعی با توجه به نظریات جدید و با تأکید بر رویکرد توسعه به مانند آزادی آمار تیاسن افزوده شد؛ و آن هم بعد انسان‌گرایانه‌ی توسعه‌ی اجتماعی بود. دلیل اینکه به این بعد در این پژوهش توجه شده است این است که هدف تمام برنامه‌های توسعه و هدف قانون اساسی رشد و تعالی انسان می‌باشد. بنابراین در این پژوهش برای

توسعه‌ی اجتماعی دو شاخص: ۱- شاخص‌های رفاهی ۲- شاخص‌های انسان‌گرایانه، در نظر گرفته شد. نسبت به بررسی‌های انجام گرفته اولین نتیجه‌ای که بدست آمد این بود که هر برنامه‌ی توسعه نسبت به برنامه‌های قبلی از رشد خوبی برخوردار بوده به صورتی که در هر برنامه‌ی جدید به ابعادی که در برنامه‌ی قبل به آن توجه نشده بود، در این برنامه به آن پرداخته شده بود.

دومین نتیجه اینکه، یافته‌های این پژوهش دلالت بر این موضوع دارد که برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بدو انقلاب اسلامی که از سال ۱۳۶۸ با عنوان برنامه‌ی اول توسعه تا سال ۱۳۹۴ با عنوان برنامه‌ی پنجم توسعه ادامه داشته است، در بعد توسعه‌ی اجتماعی، تأکید بر شاخص رفاه‌گرایانه‌ی توسعه‌ی اجتماعی بوده است و شاخص انسان‌گرایانه توسعه‌ی اجتماعی در هر برنامه دچار فراز و نشیب‌ها و کم توجه‌ای‌های زیادی شده است. به طوری که با استناد به یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت رویکرد غالب تمام پنج برنامه‌ی توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مورد توسعه‌ی اجتماعی، رویکردی رفاه‌گرایانه بوده و پیش‌تر توجه را بر تأمین زندگی مادی از قبیل بهداشت، آموزش، مسکن، اشتغال، حمل و نقل و از این موارد گذاشته است. نکته‌ی دیگری که در قسمت «مقایسه‌ی برنامه‌های پنج‌گانه‌ی توسعه به صورت مفصل به آن پرداخته شده است این است که رویکرد غالب برنامه‌ی اول (۱۳۶۸-۱۳۷۲) رفاه‌گرایانه است که از مجموع ۳۴ ماده و تبصره مربوط به توسعه‌ی اجتماعی، ۲۹ ماده و تبصره به رفاه اجتماعی پرداخته است؛ همچنین در برنامه‌ی دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸) رویکرد غالب رفاه می‌باشد که از مجموع ۶۴ ماده و تبصره درباره‌ی توسعه‌ی اجتماعی، ۴۴ مورد آن به رفاه اجتماعی در قوانین پرداخته است.

در برنامه‌ی سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۳)، مجدد رویکرد غالب برنامه‌ریزی رفاه‌گرایانه است که از مجموعه ۶۸ ماده و تبصره درباره‌ی توسعه‌ی اجتماعی، ۵۳ مورد آن به رفاه پرداخته است. در برنامه‌ی چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸) طبق برنامه‌های قبل رویکرد غالب رفاه‌گرایانه پرداخته است؛ و در آخر در برنامه‌ی پنجم توسعه (۱۳۹۴-۱۳۹۰)، همچنان رویکرد غالب رفاه‌گرایانه است که از مجموع ۶۰ ماده درباره‌ی توسعه‌ی اجتماعی، ۴۳ مورد آن به رفاه اجتماعی پرداخته است. بر اساس این یافته‌ها می‌توان گفت در قسمت شاخص‌های رفاه‌گرایانه‌ی توسعه‌ی اجتماعی، برنامه‌ی سوم نسبت به دیگر برنامه‌ها از توجه و نکات بهتری برخوردار است. برنامه‌ی اول در بعد شاخص‌های رفاهی ضعیف‌تر می‌باشد چرا که به بعضی از زیر شاخص‌ها توجهی نشده است؛ و همچنین ضعیف‌ترین برنامه در

قسمت شاخص‌های انسان‌گرایانه‌ی برنامه‌ی اول می‌باشد؛ چرا که به بیشتر زیر شاخص‌ها توجه‌ای نشده است.

یکی دیگر از مهم‌ترین نتایج بدست آمده این بود که به بحث تکثر سیاسی و آزادی اجتماعی و برابری و برقراری حقوق اقلیت‌های مذهبی و دینی هیچ توجهی نشده بود. حال آنکه در متن قانون اساسی به صراحت درباره‌ی این شاخص‌ها (اصل نوزدهم درباره‌ی تساوی حقوق و اصل بیست و ششم درباره‌ی تکثر سیاسی می‌باشد). موضوعات دیگری که به آن‌ها کمتر توجه شده بود، وضعیت زنان و حمایت از خانواده، مشارکت اجتماعی، توجه به آسیب‌های اجتماعی بودند. تمامی این موارد نشان می‌دهد که توسعه‌ی اجتماعی، از منظر سیاست‌مداران، یعنی تأمین شاخص‌های رفاهی زندگی، حال آنکه بخش رفاهی یک بعد از توسعه‌ی اجتماعی می‌باشد. در تمامی برنامه‌های توسعه رویکرد غالب، رفاه‌گرایانه بوده است حال آنکه حتی در این بخش و توجه به شاخص‌های رفاهی هم نیز بی‌توجهی‌های زیادی وجود دارد، مثلاً در برنامه‌ی اول به بحث تأمین اجتماعی و انواع بیمه‌ها ... هیچ توجهی نشده است. در بخش شاخص‌های آموزشی، آنچه که در متن قوانین برنامه‌های توسعه به آن‌ها پرداخته شده است رشد کمی و تأمین و پرورش نیروی انسانی است نه آموزش رایگان برای همه! تمامی این بررسی‌ها گویای این گفته می‌باشد که در سیاست‌گذاری و تدوین برنامه‌های توسعه، نظرات کارشناسی به خوبی اعمال نشده است و در هر برنامه به جای این که نقاط ضعف برنامه‌ی قبل شناسایی شود و در جهت رفع آن‌ها تلاش شود، دیده می‌شود که هیچ برنامه به این موضوع توجه نکرد؛ و حتی به بعضی از شاخص‌ها از برنامه‌ی اول تا برنامه‌ی پنجم حتی به کمترین میزان هم پرداخته نشده است. در آخر اگر بخواهیم با توجه به بررسی‌های صورت گرفته پیشنهاد به مسئولین و سیاست‌گذاران بدهیم؛ اول اینکه در طراحی و تدوین برنامه‌ی توسعه‌ی آتی از صاحب‌نظران در حیطه‌های اقتصادی، آموزشی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی استفاده کنند و برای تدوین هر قسمت از برنامه، کار گروه‌های باتجربه و با کمک از اساتید مجرب و با تجربه‌ی دانشگاهی تشکیل دهند. دوم اینکه ضعف‌های برنامه‌های قبل را شناسایی کنند (مثل بحث آموزش رایگان، تفریحات و استراحت، تکثر سیاسی و آزادی اجتماعی، برابری و برقراری حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی، وضعیت زنان و حمایت از خانواده ...) و در برنامه‌های آتی به آن‌ها توجه کافی مبذول نمایند. سوم اینکه در جهت عملیاتی شدن قوانین توسعه راهکارهای اجرایی ارائه کنند و موضوعات مطرح شده را به صورت شعارهای زیبا در قوانین مطرح نمایند. امید است که در تدوین برنامه‌های آتی تلاش و دقت کافی در جهت رسیدن به توسعه‌ی همه‌جانبه (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) مورد توجه قرار گیرد.

فهرست منابع:

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی توسعه، نشر کیهان، چاپ هشتم.
- اسکوبار، آرتور (۱۳۷۷). نگاهی نو به مفاهیم توسعه، گردآوری و لفانگ زاکس، ترجمه‌ی فریده فرهی و وحید بزرگی، نشر مرکز.
- بابایی‌فرد، اسدالله (۱۳۸۹). توسعه‌ی فرهنگی و توسعه‌ی اجتماعی در ایران، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره‌ی ۳۷.
- بدیعی، نعیم (۱۳۸۰). تحلیل محتوا، انتشارات اداره‌ی کل تبلیغات، اداره‌ی هماهنگی روابط عمومی‌های کشور.
- تودارو، مایکل (۱۳۷۸). توسعه‌ی اقتصادی در جهان سوم، ترجمه‌ی غلامعلی فرجادی، نشر مؤسسه‌ی عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- رایف، دانیل؛ لیس، استفن و جی‌فیکو، فریدریک (۱۳۸۱). تحلیل پیام‌های رسانه‌ای؛ کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق، ترجمه‌ی مهدخت بروجرودی علوی، انتشارات سروش.
- زاهدی‌مازندرانی، محمد جواد (۱۳۸۶). توسعه و نابرابری، نشر مازیار.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۳). برنامه‌ی پنجم عمرانی کشور، ۵۶-۱۳۵۲، نشر سازمان برنامه و بودجه.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۶). قانون برنامه‌ی اول توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۲-۱۳۶۸، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، چاپ سوم.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۶). قانون برنامه‌ی دوم توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۸-۱۳۷۴، انتشارات برنامه و بودجه، چاپ پنجم.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۹). قانون برنامه‌ی سوم، توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۳-۱۳۷۹، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، چاپ دوم.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۸۵). قانون برنامه‌ی چهارم توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۸-۱۳۸۴، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، چاپ هفتم.

- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۹۱). قانون برنامه‌ی پنجم توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۴-۱۳۹۰، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، چاپ اول.
- سن، آمارتیاکومار (۱۳۹۲). توسعه‌ی یعنی آزادی، ترجمه‌ی محمدسعید نوری نائینی، نشر نی، چاپ پنجم.
- سیف‌الهی، سیف‌الله (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی ایران؛ زمینه‌ها، موانع و تنگناها، نشر جامعه‌پژوهان سینا، چاپ اول.
- شاه‌طهماسبی، اسماعیل؛ طاهری، حامد و شمس‌الهی، سارا (۱۳۹۲). "ارزیابی کارایی نسبی استان‌های کشور در شاخص‌های اقتصادی فرهنگ طی برنامه‌ی سوم و چهارم توسعه"، فصلنامه‌ی راهبرد فرهنگ، شماره‌ی ۲۴.
- صباغ‌پور، علی‌اصغر (۱۳۸۵). توسعه‌ی فرهنگی و ساختار فرهنگی ایران، فصلنامه‌ی راهبرد، شماره‌ی چهل و دوم.
- کاربرد شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی در برنامه‌ریزی توسعه (۱۳۶۷). ترجمه‌ی هرمز شهدادی، نشر وزارت برنامه و بودجه، چاپ اول.
- کلانتری، عبدالحسین؛ روشنفکر، پیمان و مقدم سلیمی، فرشید (۱۳۹۳). توسعه‌ی اجتماعی چشم‌انداز جهانی و وضعیت ایران، مؤسسه‌ی انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- گریفن، کیث و مک‌کنلی، تری (۱۳۷۷). توسعه‌ی انسانی دیدگاه و راهبرد، ترجمه‌ی غلامرضا خواجه‌پور، نشر وداد.
- محمدی‌مهر، غلامرضا (۱۳۸۹). روش تحلیل محتوا: راهنمای علمی تحقیقی، نشر گنجینه‌ی علوم انسانی، چاپ دوم.
- مؤمنی، فرشاد و امینی میلانی، مینو (۱۳۹۰). توانمندی و توسعه‌ی پایدار در برنامه‌ی سوم و چهارم توسعه‌ی ایران با رویکرد آمار تیاسن، فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره‌ی ۴۲.
- ناطق‌پور، محمدجواد (۱۳۸۶). رویکردی نو در آسیب‌شناسی اجتماعی از نگاه توسعه، نشر سلمان.
- نویخت، محمدباقر (۱۳۹۴). مؤلفه‌های توسعه: سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- هولستی، آل. آر (۱۳۸۰). تحلیل محتوا در علوم انسانی و اجتماعی، ترجمه‌ی نادر سالارزاده امیری، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، چاپ دوم.

یونسکو (۱۳۷۸). بعد فرهنگی توسعه به سوی رهیافتی علمی از مجموعه مقالات فرهنگی و توسعه‌ی انتشارات یونسکو، ترجمه‌ی صلاح‌الدین، محلاتی، نشر دانشگاه شهید بهشتی.

Inter-American Development (2003). Social Development Strategy Document, Washington, D. C.

Jakob, K. K. (1992). Social Development prespective: New. Dehli, tlimonsh.

Macfarland, C., Jacobs, G., Cleverland, R. (1999). Social Development theory in: [www//socialDevelopment/theory](http://www/socialDevelopment/theory).

UNCRD (1988). "Regional Development Dialogue", International journal publishing high quality, Vol. 7. No. 1., P: 31-32.

United Nation (2002). Financing goble Social Development Symposium February 7, Annotated Agenda and Programe of work, Department Of economic and social Affairs. United Nation, New York.